

بررسی سیاست‌های ترکیه و عربستان در روابط‌شان با رژیم صهیونیستی در روزهای بعد از آغاز عملیات طوفان الاقصی

سیاست‌های نمایشی اردوغان و بن‌سلمان در پسا ۷ اکتبر



زهرا تبیبی خبرنگار گروه نقد روز

از ۷ صبح ۷ اکتبر تا امروز اگر مواضع کشورهای غربی را کنار بگذاریم و نگاهی به مواضع کشورهای منطقه درباره عملیات طوفان الاقصی بیندازیم، می‌توان گفت تقریباً کشورهای منطقه و جهان اسلام مواضع متفاوت و متناقضی درباره حملات غزه گرفتند. برخی کشورها ابتدا سکوت اختیار کردند و در ادامه تداوم فشارهای بین‌المللی مجبور به واکنش شدند و صرفاً به محکومیت اقدامات صهیونیست‌ها در قالب بیانیته و سخنرانی اکتفا کردند، برخی کشورها عملاً در حمایت از صهیونیست‌ها صحبت کردند و کشورهایی که در امتداد مواضع محور مقاومت قرار داشتند نیز از همان روزهای ابتدایی، این حملات را محکوم کردند. در این میان عربستان از جمله کشورهایی بود که موضع مبهم و نسبتاً خشن نسبت به حملات به غزه گرفت و سعی کرد تا جای ممکن از وارد شدن به تنش و درگیری‌ها خودداری کند. ترکیه نیز در ادامه سیاست‌های آونگی خود در قبال همه کشورهای مواضعی دوگانه گرفت و ضمن محکوم کردن اقدامات صهیونیست‌ها اما همچنان به روابط تجاری خود با اسرائیل ادامه داد. نکته قابل توجه در این میان، این است که آینده روابط رژیم صهیونیستی با توجه به حملات و عملیات‌های اخیر به چه سمت و سویی حرکت خواهد کرد و روابط دیپلماتیک این کشورها با اسرائیل در شرایط پسا ۷ اکتبر دستخوش چه تغییر و تحولاتی خواهد شد. برای بررسی این موضع و رفتار دو کشور ترکیه و عربستان در این درگیری‌ها با حسن هانی زاده، کارشناس مسائل خاورمیانه و مهدی سیف‌تبریزی، کارشناس مسائل ترکیه گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

موضع دوگانه ترکیه در ماجرای حملات غزه

مهدی سیف‌تبریزی، کارشناس مسائل ترکیه، موضع ترکیه در قبال مساله غزه را دوگانه دانست و در تحلیل آن گفت: «اگر بخواهیم رفتار ترکیه در قبال رژیم صهیونیستی را بعد از ۷ اکتبر بررسی کنیم، باید آن را به دو بخش تقسیم کنیم. در روزهای ابتدایی عملیات طوفان الاقصی، یعنی فردای ۷ اکتبر، موضعی که دولت ترکیه و اردوغان در قبال عملیات طوفان الاقصی گرفت، موضعی تند نسبت به حماس بود و این حملات را محکوم کرد. در ادامه هم در مانوری که آمریکا در درباری پیمانکارانه در حمایت از اسرائیل برگزار کرد، کشتی‌ها و ناوهای ترکیه در آن مانور شرکت کردند. بعد از عملیات طوفان الاقصی، حجم تجارت ترکیه با اسرائیل اگرچه کم شد اما تغییر محسوسی نکرد. هرچند که روزنامه‌ها و اتاق فکرهای خارجی عنوان می‌کنند، تجارت خارجی اسرائیل با ترکیه به نصف کاهش پیدا کرده اما نسبت به فشاری که کشورهای اسلامی برای قطع روابط اقتصادی ترکیه با اسرائیل وارد می‌کنند، آنچه ترکیه در سیاست اعمالی خود و در میدان عمل انجام داده، نشان می‌دهد نه تنها به قطع روابط توجهی نداشته بلکه همچنان روابط اقتصادی خود را با اسرائیل حفظ کرده است.»

سیاست‌های اعلامی و اعمالی ترکیه با یکدیگر در تناقض است

این کارشناس مسائل ترکیه، تغییر سیاست‌های اعلامی ترکیه را تحت تاثیر افکار عمومی جهان دانست و در این باره توضیح داد: «مقداری بعدتر که فشار کشورهای اسلامی در حمایت از طوفان الاقصی بیشتر شد افکار جهانی و کشورهای مختلف اروپایی هم برای حمایت از فلسطین راهپیمایی‌های مختلفی انجام دادند. ترکیه در سیاست اعلامی خود تغییراتی ایجاد کرد و سعی کرد به نسبت سال‌های گذشته، رفتار تندتری نسبت به سران اسرائیل داشته باشد. اردوغان در صحبت‌های خود، دولت اسرائیل را مخاطب قرار نمی‌داد، بلکه نتانیاهو را مخاطب قرار می‌داد و اعلام می‌کرد ما دیگر با نتانیاهو صحبت نداریم و با او گفت‌وگو نمی‌کنیم. الزاما قطع روابط و سردی را با دولت اسرائیل اعلام نکرد. یعنی شاید اگر نتانیاهو کنار برود و فرد دیگری بخواهد جایگزین او شود، ممکن است ترکیه در همان مسیری که چند ماه قبل با رژیم صهیونیستی آغاز کرده بود، حرکت کند. اما سیاست‌های اعمالی ترکیه متفاوت است، سیاست‌های اعلامی ترکیه همان صحبت‌هایی است که اردوغان در میان عموم مردم و در مجامع بین‌المللی، مطرح می‌کند و رفتارش در این باره متفاوت است. این موضوع را می‌شود از دو جهت مورد بررسی قرار داد. یکی اینکه بگوییم اردوغان به عنوان رهبر قسمتی از جهان اسلام و مسلمانان سنی مذهبی که جهت‌گیری سیاسی اخوانی دارند، شناخته می‌شود، بر این مبنا چیزی که در رسانه‌ها عنوان می‌شد، ضدیت اردوغان با رژیم صهیونیستی بود.»

ایران می‌تواند از موضع‌گیری‌های اردوغان درباره رژیم صهیونیستی، برای در دست گرفتن فضای بین‌المللی استفاده کند

سیف‌تبریزی در ادامه تأکید بر سیاست‌های اعلامی، موضع‌گیری ترکیه را امری می‌داند که می‌تواند به نفع ایران باشد و توضیح می‌دهد: «باید به این نکته اشاره کرد که ایران می‌تواند از این موضوع استفاده کند. اگر جمهوری اسلامی، بتواند سیاست درست و هوشمندانه‌ای داشته باشد، هرچند همه می‌دانیم که سیاست‌های اردوغان کاملاً دوگانه است و ما از آن با عنوان سیاست‌های آونگی یاد می‌کنیم، می‌تواند در لحظه موضع خود را تغییر بدهد. اما چیزی که فعلاً شاهد آن هستیم این است که اگر هوشیار باشیم، می‌توانیم بگوییم موضع‌گیری‌هایی که اردوغان در سطح بین‌المللی انجام می‌دهد، در رسانه‌ها، جهان عرب و کشورهای اروپایی، به نسبت موضع‌گیری‌های ایران بازخورد بیشتری دارد. در زمانی که عربستان و بزرگان کشورهای جهان عرب موضع‌گیری‌هایی ندارند، می‌توانیم برای در دست گرفتن فضای بین‌المللی از موضع‌گیری‌های اردوغان حمایت کنیم، ولی باید این را در نظر داشته باشیم که اگر قرار است مصالحه‌ای بین حماس و رژیم صهیونیستی اتفاق بیفتد و صلحی برقرار شود و میانجی داشته باشد، نباید فضا را در اختیار ترکیه قرار بدهیم. اردوغان نباید به عنوان میانجی این صلح شناخته بشود تا بتواند برای خود در جهان اسلام اعتباری دست و پا کند و دوباره همان سیاست‌هایی که در سال‌های قبل به عنوان بزرگ جهان اسلام انجام داد و لیبی و سوریه را به آتش کشید، دوباره به آن سمت حرکت کند. این امر به نوع تعامل مسئولان سیاست خارجه ایران با ترکیه و اینکه چه نوع تعاملی را با هم برقرار می‌کنند، برمی‌گردد. ما می‌توانیم از موضع‌گیری‌های اردوغان استفاده کنیم ولی به یاد داشته باشیم که اردوغان می‌تواند متفاوت‌تر از آن چیزی که

در میتینگ‌های تبلیغاتی‌اش می‌گوید، برخورد کند. اما تا حدی همچنان بر این است که جمهوری اسلامی با اینکه می‌تواند از فرصت به‌وجودآمده - برای اینکه ترکیه را در فضای بین‌الملل به عنوان کشور مسلمان می‌شناسند- و از موضع‌گیری‌ها استفاده کند و یک اجماع جهانی به‌وجود بیاورد، اما جمهوری اسلامی باید دقت کند که نقشی بیش از این به ترکیه ندهد و ترکیه به عنوان میانجی صلح بین فلسطین و رژیم صهیونیستی قرار نگیرد و در این میان شاید قطر بتواند نقش موثری ایفا کند. یعنی اگر قرار باشد آتش‌بس برقرار شود، ایران می‌تواند با قطر به عنوان میانجی تعامل کند. اما اگر این میانجی‌گری به ترکیه واگذار شود، عواقب خوبی را شاهد نخواهیم بود.»

در روابط اقتصادی ترکیه و رژیم صهیونیستی تغییر محسوسی اتفاق نیفتاده است

این کارشناس مسائل ترکیه در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که سیاست‌های اقتصادی و تجاری ترکیه با اسرائیل دچار تغییر محسوسی نشده است و توضیح می‌دهد: «در حال حاضر در سیاست‌های اقتصادی و سیاست‌هایی که بین ترکیه و رژیم صهیونیستی وجود دارد، تغییر بزرگی دیده نشده است. در تمام این دوران ترکیه تقریباً هفته‌ای ۳۰ پرواز به اسرائیل دارد. به لحاظ اقتصادی، حجم اقتصادی آهنی که فروخته می‌شود و نفتی که از ترکیه به اسرائیل صادر می‌شود، مواردی است که به آن اشاره شده ولی این همه ماجرا نیست. مواد معدنی و آهنی که به رژیم صهیونیستی صادر می‌شود و حتی قهوه‌ای که توسط تجار خصوصی ترکیه صادر می‌شود، برای حمایت از سربازان صهیونیست در پشت‌صحنه در حال اتفاق افتادن است. فکر می‌کنم، این موضع‌گیری‌ها صرفاً در شرایط فعلی مطرح می‌شود و یک جنبه رونمایی دارد، و در زیرهیج اتفاقی در اقتصاد ترکیه و رژیم صهیونیستی نیفتاده است و ترکیه همان سیاست‌هایی که در چند وقت گذشته در استحکام روابط خود با اسرائیل داشت را همچنان ادامه خواهد داد.»

آرمان مردم ترکیه درباره فلسطین با سیاست اردوغان درباره غزه در یک ترازو قرار نمی‌گیرد

سیف‌تبریزی اشاره‌ای نیز به جو فضایی افکار عمومی و به خصوص مسلمانان ترکیه و نگاه آنان به موضع‌گیری‌های عربستان می‌اندازد و می‌گوید: «جامعه مسلمان ترکیه و دولت آن را نباید در یک ترازو قرار بدهیم، درست است که مردم مسلمان ترکیه طرفدار اردوغان هستند و کفه‌رای اردوغان بیشتر از جامعه مسلمانان ترکیه است ولی به لحاظ سیاسی، الزاما در یک کفه قرار نمی‌گیرند و آرمان‌هایی که مردم مسلمان ترکیه دارند، با سیاسی که اردوغان در سیاست خارجی کشور خود پی می‌گیرد الزاماً یکی نیست. موضوع بعد این است که اردوغان را نباید یک بازیگر هوشمند بدانیم. او بسیار باهوش است و می‌تواند جو و ذائقه جامعه خود را شناسایی کند و از همه مهم‌تر این است که اگر راجع به مردم ترکیه صحبت می‌کنیم، باید این را بدانیم که ترکیه رسانه‌های قوی دارد. رسانه‌های تحت کنترل این کشور قوی هستند و فضا سازی رسانه‌ای را خیلی خوب بلدند. در چرخشی که اردوغان در روزهای اول با فشار مردم داشت، جووری ورق را به لحاظ رسانه‌ای چرخاند که انگار تنها حامی فعلی حماس و مردم غزه، اردوغان در جهان اسلام است. او جووری بازی رسانه‌ای می‌کند که مردم تنها خودش را حامی جهانی غزه می‌دانند. این را باید در نظر داشته باشیم که اردوغان می‌تواند افکار عمومی را در این کشور کنترل کند.»

سیف‌تبریزی درباره نگاهی که کشورهای جهان اسلامی به سیاست‌های او در قبال ترکیه دارند، هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «حضرت‌آقا هم در صحبت‌هایشان به این موضع اشاره کرده‌اند که نباید انرژی به اسرائیل صادر بشود؛ فاعلنا دو کشور مدنظرشان بود، یکی باکو به عنوان کشوری که نفت را صادر می‌کند و منبع ۷۰ درصد از انرژی رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کند و دیگری ترکیه به عنوان کشوری که حامل است و این نفت را به سرزمین‌های اشغالی می‌رساند. همین صحبتی که سید حسن کرد هم در ادامه صحبت‌های رهبر انقلاب بود، ولی کشورهای عربی که نگاه اخوانی‌ها در آن بیشتر هستند، به ترکیه نگاه مثبتی دارند و این فضایی که اردوغان در رسانه‌ها می‌سازد و لابی که رسانه‌های غربی دارند، می‌تواند برای اردوغان فضا سازی کند. کشورهای عربی همچنان ترکیه را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین حامیان غزه می‌دانند، ولی سیاستمداران، مخصوصاً سیاستمدارانی که در طیف مقاومت هستند، به ترکیه نگاه مثبتی ندارند و نخواهند داشت. این را حتی سیاستمداران ترکیه‌ای هم بارها در مجلس اعلام کرده‌اند که اردوغان در مساله غزه مؤثرانه برخورد می‌کند، این اعتماد هیچ وقت به کشورهای محور مقاومت برنخواهد گشت. این را که ترکیه به‌عنوان یک حامی، که به صورت عملی و کامل در کنار مردم غزه باشد، نخواهند دید.»

تنش رژیم صهیونیستی با اردوغان ظاهری است

این کارشناس بین‌الملل در پاسخ به این سوال که ناراضی‌تی که اسرائیلی‌ها نسبت به مواضع اردوغان داشتند، چقدر بر روابط رژیم صهیونیستی و عربستان تأثیرگذار خواهد بود، نیز توضیح می‌دهد: «این ناراضی‌تی که از سمت اسرائیل می‌بینید هم می‌تواند ساختگی و در راستای بده‌وبستان سیاسی ترکیه با اسرائیل رژیم صهیونیستی یل باشد که ترکیه مرجعیت خودش را در جهان اسلام از دست ندهد، تا بتواند بعداً در جهان اسلام اثرگذاری داشته باشد. به همین خاطر اگر قرار باشد ارتباطات کم نشود و آن جبهه‌گیری از جانب رژیم صهیونیستی اتفاق نیفتد، کسی حرف اردوغان را از این سمت آنچنان باور نخواهد کرد. باید یک تنش ظاهری میان دو کشور اتفاق بیفتد. چیزی که مهم است این است که تنش ظاهری است اما در عمق و بستر صادرات می‌بینیم که روابط تجاری همچنان ادامه دارد. شما نمی‌توانید در سیاست دعوی عمقی داشته باشید و در اقتصادتان این را نشان ندهید. چیزی که الان می‌بینیم این است که همه چیز در ظاهر است، برای اردوغان تجارت مهم است و مهار تورم افسارگسیخته‌ای که در ترکیه اتفاق افتاده است. اردوغان با اسرائیل سیاست‌های بلندپروازانه‌ای تدوین کرده است. اینکه خطوط گاز رژیم صهیونیستی قرار است از ترکیه به سمت اروپا برود. در واقع اردوغان در سیاست‌های بلندمدتش در نظر دارد تبدیل به هاب انرژی اروپا بشود، چه نفت و گاز روسیه را اروپا بفرستد و چه گاز اسرائیل را به اروپا بفرستد. برایش به‌شدت مهم است. مسائل غزه برای اردوغان آندف‌آرمانی نیست که بخواهد منافع اقتصادی خودش را فدای آرمان غزه کند. مطمئناً بعد از خوابیدن شوری که در میان مردم وجود دارد و اتمام جنگ، ترکیه به آن حجم صادرات برمی‌گردد و ارتباطات خود را رژیم صهیونیستی مجدداً افزایش خواهد داد.»

عملیات طوفان الاقصی معادلات ۷ ساله مذاکرات عربستان و رژیم صهیونیستی را به هم ریخت

یکی از کشورهای که از آغاز عملیات طوفان الاقصی موضوع مبهمی نسبت به حملات در غزه داشت، عربستان بود. برای بررسی مواضع اقدامات عربستان از روزهای آغاز عملیات طوفان الاقصی تا الان با حسن هانی زاده، کارشناس مسائل بین‌الملل گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید. هانی زاده در ابتدا به تعلیق مذاکرات عادی سازی عربستان و اسرائیل پرداخت و توضیح داد: «عربستان از سال ۲۰۱۶ و پس از پیروزی ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا، تحت فشار جمهوریخواه‌ها مذاکرات پشت‌پرده‌ای با رژیم صهیونیستی آغاز کرد که اوج آن طرح صلح ابراهیم بود، که امارات، بحرین، سودان و مغرب به این طرح پیوستند و از آن موقع عادی سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی را آشکار کردند اما عربستان به دلیل جایگاهی که در جهان اسلام و جهان عرب به عنوان یک کشور تأثیرگذار عربی دارد، مذاکرات را پشت‌پرده و طولانی ادامه داد تا شرایط انتخابات آمریکا به سمت و سویی حرکت کند. در سال ۲۰۲۰، رئیس‌جمهور آمریکا از کاخ سفید خارج شد و مذاکرات‌ها وارد کاخ سفید شدند. روند مذاکرات ادامه داشت اما سعودی‌ها تمایلی به برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی نداشتند، چون این مساله موجب خواهد شد عربستان در دو حوزه جهان عرب و جهان اسلام جایگاه خود را از دست بدهد. فلذا مذاکرات، پشت‌پرده ادامه داشت و عربستان هم سعی کرد از یک سو با اسرائیل رابطه برقرار کند و برای اینکه بتواند مشروعیتی در جامعه جهانی داشته باشد، با ایران رابطه برقرار کرد و یک توافقنامه با ایران در پکن امضا کرد که منجر به برقراری رابطه شد، الان در حوادث غزه و عملیات طوفان الاقصی شرایط دگرگون شد و با توجه به اینکه عربستان گام‌های بلندی برای برقراری رابطه با اسرائیل برداشت، عملیات طوفان الاقصی همه معادله‌ها را به هم ریخت. عربستان که تحت فشار افکار عمومی قرار دارد، مذاکرات عادی سازی با اسرائیل را متوقف کرد. به نظر می‌رسد بعد از این جریان‌ها و اینکه معادلات بعد از عملیات طوفان الاقصی به چه سمت و سویی حرکت خواهد کرد، عربستان در آینده به‌هرصورت روابط خود با اسرائیل را عادی خواهد کرد اما این زمان زیادی خواهد گرفت، زیرا الان فضای جامعه اسلامی و جامعه عربی، به دلیل جنایاتی که رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه انجام داده است، زمان طولانی خواهد برد تا فضا دگرگون شود و عربستان روابط خود با اسرائیل، عادی و آشکار کند. به‌هرصورت تا بعد از مشخص شدن شرایط منطقه و اینکه شرایط غزه چه خواهد شد و اسرائیل چه رفتاری در این درگیری‌ها خواهد داشت، همه اینها در عادی سازی روابط بین اسرائیل و عربستان مؤثر خواهد بود ولی به‌هرحال زمان زیادی نیاز خواهد بود تا رژیم صهیونیستی روابط خود را با عربستان عادی کند.»



سیاست‌های عربستان در درگیری‌های غزه هنوز مبهم است

هانی زاده در ادامه به موضع دوگانه عربستان در محکومیت اقدامات صهیونیست‌ها و عملیات حماس اشاره می‌کند و می‌گوید: «درهرحال عربستان کشوری است که الان هم از حماس و جهاداسلامی انتقاد می‌کند هم به‌صورت غیرآشکارا از اسرائیل انتقاد می‌کند، این رفتارهای پارادوکسی و متناقض عربستان نشان می‌دهد که این کشور سعی می‌کند که در درگیری‌های غزه به اصطلاح عصا را از وسط بگیرد و خیلی به ماجرا ورود پیدا نکند. بسیاری از علمای وهابی به‌شدت از حماس و جهاداسلامی، انتقاد می‌کنند و آنها را امتداد حزب‌الله می‌دانند، بنابراین عربستان علی‌رغم اینکه سعی می‌کند درگیری‌های غزه پایان بگیرد، اما همواره تلاش می‌کند روابط خود را با آمریکا حفظ و تلاش می‌کند آمریکا را خشمگین نکند. این رفتارهای عربستان یک رفتارهای غیرشفاف و غبارآلود است و سیاست‌های عربستان هنوز مشخص نیست. عربستان هنوز راهبردی مشخصی برای مواجهه با درگیری‌ها در غزه ندارد و منتظر است ببیند فضا به کدام سمت حرکت خواهد کرد و چه سرنوشتی در آینده پیدا خواهد کرد. اینکه رژیم صهیونیستی الان به‌شدت تحت نفرت افکار عمومی جهان قرار دارد و عربستان نمی‌خواهد در این شرایط رابطه خود را با اسرائیل برقرار بکند، ولی در سال‌های آینده و بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴ قطعاً عربستان موضع شفافی برای برقراری رابطه با اسرائیل اتخاذ خواهد کرد ولی الان فعلاً به نعل و میخ می‌زند و موضعش شفاف نیست و سعی می‌کند شرایط به‌گونه‌ای رقم زده شود که ببیند آینده خاورمیانه، غزه و منطقه به چه سمت و سویی حرکت خواهد کرد، حتی منتظر انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا خواهد ماند تا ببیند دمکرات‌ها پیروز خواهند شد یا دمکرات‌ها که برمیتاب نظرسنجی‌ها به نظر می‌رسد، جمهوریخواه‌ها پیروز انتخابات ۲۰۲۴ خواهند شد و حتی احتمال دارد که دونالد ترامپ دوباره به قدرت بازگردد.»

وی در پاسخ به اینکه عربستان در ادامه همین سیاست‌های مبهم اقدام به برگزاری نشست اضطراری سران کرد یا به‌دنبال میانجی‌گری در این درگیری‌هاست، گفت: «اتفاقاً عربستان مخصوصاً اجلاس سران را تشکیل داد که رفتار سران کشورهای اسلامی را مهار کند، یعنی اگر سران کشورهای اسلامی نشست خود را در تهران برگزار می‌کردند، حتماً کنفرانس خروجی بهتری می‌داشت اما عربستان پیش‌دستی کرد به اعتبار اینکه دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی در جده عربستان است و عربستان به عنوان محوری‌ترین کشور عضو سازمان همکاری‌های اسلامی و اتحادیه عرب قصد داشت با تشکیل اجلاس سران کشورهای اسلامی و عربی به نوعی رفتار کشورهای اسلامی و خشم سران کشورهای اسلامی علیه رژیم صهیونیستی را مهار کند و به همین دلیل خروجی نشست سران کشورهای اسلامی کم‌رنگ و بی‌تأثیری بود و به‌جز سخنرانی رئیس‌جمهور در این اجلاس که کوبنده و مهم بود، کنفرانس خروجی قابل قبولی نداشت.»

عربستان برای بازگشت به مذاکرات عادی سازی زمان زیادی نیاز دارد

واکنش افکار عمومی دنیا به مواضع عربستان موضوع دیگری بود که این کارشناس مسائل خاورمیانه به آن اشاره کرد و گفت: «موضع کشورهای عربی نسبت به عربستان دو دیدگاه متفاوت است. آنهایی که طرفدار حماس و جهاداسلامی هستند که اکثریت ملت فلسطین را تشکیل می‌دهند و نسبت به رفتار عربستان خشمگین هستند و دیگر اینکه عربستان برخلاف قطر پوشش مناسبی از جریان‌های غزه نداشت. الان در فضایی که هزاران زن و کودک شهید می‌شوند، عربستان هیچ‌گونه موضع فعالی نمی‌گیرد، بلکه موضع او خنثی است. به همین دلیل برخی ملت‌ها نگاه مثبتی نسبت به عربستان دارند و این را بخشی از سیاست‌های عربستان می‌دانند ولی برخی ملت‌ها مثل مردم فلسطین، الجزایر و مردم تونس که نگاهی کاملاً انقلابی به مسائل جهان عرب و جهان اسلام دارند، از رفتار عربستان خشمگین هستند، به‌هرحال عربستان به دلیل توان مالی و اینکه بخش مهمی از بازار کار کشورهای عربی تلقی می‌شود، همواره از یک پشتوانه بالایی برخوردار است، هرچند این پشتوانه خیلی عمیق و ریشه‌دار نیست، اما می‌توان گفت عادی سازی روابط با عربستان بالاخره اتفاق خواهد افتاد. به زمان نیاز دارد، چون شرایط افکار عمومی برای عربستان مناسب نیست ولی عربستان سعی می‌کند که این شرایط را به بعد از انتخابات آمریکا و شفاف شدن وضعیت غزه موکول کند.»